

## ۲۸ اسد روز استرداد استقلال افغانستان است

### هیچ روز دیگری غیر از ۲۸ اسد، روز استقلال افغانستان نیست!

روز ۲۸ اسد/مطابق ۱۸ اگست(در برخی سالها برابر ۱۹ اگست) ، روز اعلام استرداد استقلال کشور ماست. این روز، برای افغانهای آزادیخواه ، وطنپرست و حریت پسند ، یک روز میمون و پس عزیز است. و گرامی داشت از این روز، یک وجبیه و یک فریضة ملی بشمار میرود. اعلام استرداد استقلال کشور، در ۹۶ سال قبل از امروز، نه تنها برای ما افغانها بسیار با ارزش است، بلکه برای برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی نیز الهام بخش بود و جنبش های آزادی طلبی را در مستعمرات انگلیس مهمیز زد.

با تأسف و دریغ باید گفت که در سالهای حاکمیت تنظیمها و طالبان و همچنان در دوران ریاست جمهوری حامدکرزی، تجلیل از روز ۲۸ اسد، خیلی بی رنگ و کم اهمیت شده بود و حتی در سال ۲۰۰۸ رسماً به سفارت های افغانستان رسماً خبر داده شد تا از این روز تجلیل بعمل نیاید، ولی در عوض از روز ترور احمدشاه مسعود در کابل و تمام ولایات کشور و همه سفارت های افغانستان تجلیل بعمل آمد و در این راه میلیونها افغانی از جیب ملت گرسنه افغانستان برای ثناگوئی احمدشاه مسعود صرف شد.

هیچ روزی و هیچ تجلیلی نمیتواند جای روز ۲۸ اسد( روز اعلام استرداد استقلال کشور) را بگیرد و هیچ مقامی بجز لویه جرگه افغانستان حق ندارد بر بزرگترین روز افتخار و سربلندی ملت افغان خط بطلان بکشد و آنرا از تقویم روزهای بزرگ ملی براندازد و جای آنرا به کسی دیگر بدهد.

در همان هنگام وطن پرستان و استقلال طلبان افغانستان نسبت به این تصمیم دولت کرزی ، صدای اعتراض بلند نمودند و با نوشتن مقالات مستدل و مستند، این اقدام دولت را محکوم و نکوهش کردند. آن نوشته های البته تأثیر معین خود را بر سکانداران دولت وارد ساخت و بعد از آن بمناسبت ۲۸ اسد، روز استقلال کشور، لا اقل با قرانت بیاتیه ای از سوی رئیس جمهور و گذاشتن اکلیل گل در پای منار یاد بود استقلال بجا آورده شد.

معلوم نیست که دولت وحدت ملی ، بر رهبری داکتر اشرف غنی و داکتر عبدالله امسال در تجلیل از این روز بزرگ چگونه عمل میکند، آیا نا امنی و جنگ در کشور را بهانه خواهد آورد و از یاد بود این روز بزرگ تاریخی حتی در زیر سقف تالار وزارت دفاع یاد نمیکند یا اینکه بهتر از حامدکرزی از این روز تجلیل خواهد کرد؟!

تا کنون که یک روز به ۲۸ اسد مانده است، در هیچ یک از رسانه های شنیداری و تصویری داخلی خبری از کدام نشستی در نهادهای تحصیلی و علمی و نظامی کشور به منظور تجلیل از روز استرداد استقلال کشور شنیده و دیده نمیشود. بنابراین باید تا روز ۲۸ اسد ، روز اعلام استرداد استقلال کشور، منتظر بود و دید که آیا رهبران حکومت وحدت ملی از این روز با حرمت تکریم و تجلیل خواهند کرد یا باز هم بهانه ای خواهند تراشید و از تجلیل این روز بزرگ ملی که پدران ما با ریختن خونهای پاک خود آن افتخار را بدست آورده اند ، صرف نظر خواهند نمود؟

باید یاد آور شد که در تمام کشورهای آزاد جهان، روزهای ملی و استقلال شان هر ساله با مراسم خاصی تجلیل میشود و در کشور ما نیز در عهد اقتدار هر زمامداری تا کودتای ثور ، از این روز با برپائی یک هفته جشن بگونه شکوهمندی تجلیل شده و مردم در این جشنها ابراز شادمانی میکردند. زیرا تجلیل از روز ۲۸ اسد، تجلیل از ثمره خونهای ریخته شده فرزندان شریف این خاک برای استرداد استقلال افغانستان است. و باید با نیت قدر شناسی از جانبازی های آن فرزندان وطن، این روز را تجلیل کرد و گرامی داشت.

با تأسف فراوان باید گفت که نه تنها فرمان روایان فعلی کشور به افتخارات گذشته ما، به فداکاری های پدران و نیاکان ما واقعی نمیگذارند، بلکه از همفکران و همزمان شان که با اعمال نا بخردانه خویش فاجعه ها آفریدند، رستم زمانه تراشیدند، جاده ها و چهار راهی ها را به نام آنها مسمی ساختند، القاب قهرمان ملی و مارشالی دادند بلکه عده ای از قلم بدستان و تحصیل گران ما با برگزاری مراسم باشکوه هم در داخل و هم خارج کشور از سال روز درگذشت آنها تجلیل به عمل می آورند. ... [۱]

**دوسه روز ارجناک دیگر:**

بخاطر باید داشت که در پیوند با استقلال کشور، دو سه روز دیگر نیز از روزهای پرهیجان وارجناک برای مردم افغانستان بشمار می‌رود، اما هیچ یکی آنها به اهمیت وارجناکی ۲۸ اسد، روز استقلال کشور نمی‌رسند. از آنجمله یکی روز (۲۴ فبروری) است. روان شاد غبار مینویسد: پس از آنکه شهزاده امان الله در ارگ شاهی از قتل پدر خود امیر حبیب الله مطلع شد، از بیعت به امیر نصرالله خان (عموی خود که یکرز قیل در جلال آباد بجای امیر حبیب الله خان اعلام پادشاهی کرده بود)، سر بز زد و خطاب به حاضرین مجلس در ارگ گفت: «شهادت امیر به تحریک کسی است که خود طالب سلطنت است (منظور او نایب السلطنه بود)، لهذا من بدستان خون آلود بیعت نمیکنم و به تنهائی برای گرفتن انتقام حاضرم. کسی که با رأی من موافق است به دست راست من بایستد.» نخستین کسی که به حمایت از شهزاده امان الله ازجا بلندشد، صالح محمد خان نایب سالار قوماندان لوی اول سپاه کابل بود که از میان رجال نظامی برخاست و پهلوی امان الله خان قرارگرفت و به تعقیب آن سایر رجال نظامی و دولتی از شاه جوان حمایت و اظهار بیعت کردند. [۲]



غبار علاوه میکند: روز بعد شاه در اجتماع بزرگ شهریان کابل حاضر گردید و نطق تاریخی خود را بیان کرد. اهالی کابل و افراد سپاه در میدان مراد خانی در برون ارگ تجمع کرده بودند و بی صبرانه انتظار ورود شاه جوان را میکشیدند. امان الله خان در حالیکه یونیفورم رسمی عسکری به تن، موزه های بلند به پا و شمشیر برهنه در کمر داشت سوار بر اسب از ارگ شاهی برآمده، تنها و بدون محافظ، دلیرانه و خودماتی به داخل جمعیت بزرگ مردم درآمد. او در همین روز و در برابر جمعیت عظیمی از مردم، بیانیه تاریخی و مهمش را ایراد نمود و استقلال داخلی و خارجی افغانستان را اعلام و تأمین برادری،

برابری، عدالت و خدمتگزاری صادقانه برای ملت افغانستان را وعده داد. **شاه امان الله در لباس سربازی هنگام اعلام پادشاهی در ۲۴ فبروری ۱۹۱۹ در مرادخانی کابل**

غبار در این مورد می افزاید: " ... ۲۴ فبروری مردم کابل و قشون پایتخت در میدان مرادخانی اجتماع بزرگ نمودند، امیر امان الله خان سواره و تنها در بین جمعیت داخل شد در حالیکه شمشیر برهنه در کمر آویخته بود، در همین جا بود که او نطق مشهور و تاریخی خود را نمود، او استقلال خارجی افغانستان و آزادی فردی را در داخل کشور اعلان کرد و از مساوات و برادری و برابری، آزادی ملت و تأمین عدالت و صداقت دولت جدید حرف زد. غریو شادی و تهنیت از جمعیت برخاست. . . « [۳] این سخنان شاه آزادی خواه از جانب شهریان کابل و سربازان و افسران اردو با غریو و نعره های الله اکبر، وزنده باد امیر امان الله! بدرقه شد.

### ۲۸ فبروری = ۹ حوت ۱۲۹۷ (روز تاجگذاری شاه امان الله)

روز ۲۸ فبروری ۱۹۱۹ (= ۹ حوت ۱۲۹۷ ش) روز پر ارج دیگری است که شاه امان الله خان، در آن روز در مسجد عیدگاه کابل تاج پوشی نمود. امان الله خان پیش از آنکه حضرت شوربازار، تاج سلطنت را بر سر او بگذارد، اظهار کرد: **این تاج را بشرطی بصرمی گذارم که استقلال کامل کشور را حاصل کنم!**

سپس خطاب به شهریان کابل گفت: « اول بر همه رعایای صدیق ملت نجیبه خود این را اعلان و بشارت میدهم که من تاج سلطنت افغانیه را بنام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان بسر نهاده ام. » [۴] شاه ضمن بیانات پرشور خود گفت: «ملت عزیز من! من این لباس سربازی را از تن بیرون نمی کنم تا که لباس استقلال را برای مادر وطن تهیه نسازم! من این شمشیر را در غلاف نمی کنم تا که غاصبان حقوق ملت را به جای خود ننشانم! ای ملت عزیز و ای سربازان فداکار من! بیاورید آخرین هستی خود را برای نجات وطن، بیایید تا که سرهای پر غیرت خود را برای خلاصی وطن فدا سازیم!» [۵]

آقای پیکار پامیر از قول داکتر عبدالرحمن حکیمی یکی از نخستین شاگردان دوره اول فاکولته طب کابل چنین روایت میکند: " خوب بخاطر دارم که [ اعلیحضرت امان الله خان ] تمام مردان روشناس پایتخت را در مسجد جامع عید گاه جمع کرد و از فضایل استقلال حرف زد. تاج شاهی او را در مسجد گذاشته بودند، اشاره به آن نموده گفت که این تاج را امپراتور انگلستان زیر دست خود میداند و من افغان و مسلمانم و تاج شاهی را تا آنوقت بسر خود نمیگذارم که با همت و شجاعت شما قوم غیور افغانستان استقلال و آزادی افغانستان را باز بدست نیارم. بعد از این بیانیه شورانگیز، پسر خود (شهزاده هدایت الله) را بدست گرفته و بلند کرد و گفت: **خون این طفل معصوم را فدای حصول استقلال**

مینمایم و بعد شمشیر خود را از غلاف کشیده و فرمود که این شمشیر را در غلاف نمیگذارم تا شرافت افغانستان را باز حاصل نکنم...» [۶]

از این روز در افغانستان بارها تجلیل شده است و به عنوان روز تاج پوشی و اعلام استقلال افغانستان گرامیداشت بعمل آمده است. و برخی این روز را با روز استقلال کشور به اشتباه گرفته اند.

**روز ۱۳ اپریل** نیز از روزهای پراهمیت تاریخی برای افغانها است. شاه امان الله در این روز، مجلسی در دربارکابل، شامل دیپلماتان خارجی و بزرگان و مشران ملکی و نظامی کشور برگزار، و در آن روز استقلال افغانستان را با این جملات اعلام کرد:

« من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملاً آزاد و مستقل اعلان نمودم . بعد از این کشورما، مانند سایر دول و قدرتهای جهان، آزاد است و به هیچ نیروی، به اندازه یک سر موی اجازه داده نمی شود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نماید و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را با این شمشیر خواهم زد.» و سپس رو بجاتب سفیر انگلیس (نجف علی) نموده پرسید: « آنچه گفتیم فهمیدی ! » سفیر انگلیس با احترام و تعظیم جواب داد: « بلی فهمیدم.» [۸]

به قول "ریه تالی ستیوارت"، مؤلف کتاب «آتش در افغانستان»، "انگلیس ها، روز ۱۳ اپریل ۱۹۱۹ را، سیاه ترین روز در تاریخ امپراطوری بریتانیا میدانند. [۹] " زیرا در روز ۱۳ اپریل تظاهرات عظیمی در شهرهای مختلف هند، از جمله در پشاور، بمبئی، لاهور، دهلی و سایر شهر های هند براه افتاد که در آن تصادماتی با افراد پولیس و عساکر استعمارگران رخ داد. در این روز شهر امرتسر دو هزار کشته و چندین هزار مجروح برجای گذاشت که واقعاً تکانهنده بود. [۱۰]

وقتی امان الله خان از این کشتار وحشیانه استعمارگران مطلع شد، در محکوم کردن آن در اخیر اپریل مجلسی ترتیب داد و با یادآوری از قتل عام مردم هند در لاهور، دهلی، جلالیان و الاباغ امرتسر، اشک ریخت و مردم را به جهاد علیه انگلیس دعوت کرد. مردم آزادی خواه افغانستان به صدای برحق شاه جوان خود لبیک گفتند و تاسوم می ۱۹۱۹ خود را برای سومین نبرد رهائی بخش آماده کردند. یک سیاستمدار انگلیس بنام " جورج روزکیپیل" در ۴ جون ۱۹۱۹ نوشت: " امان الله خان آتشی را برافروخت که مدتها را دربر خواهد گرفت تا ما آنرا خاموش کنیم." [۱۱]

واقعیت همین بود که امان الله خان آتش آزادی خواهی و استقلال طلبی را در قلمرو امپراطوری بریتانیا برافروخته بود که تا پارچه پارچه شدن امپراطوری انگلیس همچنان شعله ور بود.

مردم افغانستان در تحت رهبری زعامت جوان ودلیرخود شاه امان الله، نخستین مردمی بودند که باقوی ترین قدرت استعماری وقت، یعنی انگلیس که آفتاب در قلمروش غروب نمیکرد، قهرمانانه رزمیدند و سرانجام انگلیسها را وادار به قبول متارکه جنگ و مذاکره برای استرداد استقلال کشور خود ساختند. نتیجه منطقی این مذاکرات پیمان صلحی بود که در ۱۸ اگست ۱۹۱۹م مطابق (۲۸ اسد ۱۲۹۸ش) به توشیح شاه جوان و بیدار افغان رسید و افغانها از آن پس همین روز ۲۸ اسد/مطابق ۱۸ اگست را روز استرداد استقلال خود شناختند و آن را هرساله گرامی میدارند.

## هیچ روز دیگری غیر از ۲۸ اسد، روز استقلال افغانستان نیست!

در یکی دو سال اخیر برخی از عناصر کینه توز و تفرقه انداز که چشم دیدن استقلال افغانستان را ندارند، با نوع عالم نمایی و خود بزرگ بینی از طریق رسانه های جمعی نوشتاری و تصویری تبلیغ میکنند و میگویند: **مردمی که تا هنوز روز استقلال خود را نمیدانند، چگونه دم از استقلال میزنند؟** و با رویکرد از تاریخ غبار و میر محمد صدیق فرهنگ یک تعداد سنوآت و روز هایی را برون نویس و با تفسیرهای غلط به نشر می سپارند که جز گمراهی اذهان عامه و بخصوص جوانان دور از میهن نتیجه ای ندارد و در واقع قصد و هدف این یاوه گوینان تاریخ نیز همین است تا باور جوانان را نسبت به تاریخ این کشور و جان بازیهای پدران شان در راه آزادی و استقلال خدشه دار نمایند. یکی از این رجاله های کینه جو وسخت دشمن استقلال افغانستان، کسی بنام داکتر لعل زاد مقیم لندن است، که امروز ۲۷ اگست یکی از این یاوه سرانی های خود را از طریق روزنامه ماندگار در کابل بدست نشر سپرده و در سایت آریانی نیز بازتاب یافته است. انعکاس این نوشته داکتر لعل زاد در سایت آریانی، یک بار دیگر میتواند باب بحث های داغ و برخورد های قومی و زبانی را دامن بزند و به اعتبار این سایت خدشه وارد کند و تعداد بی شماری از خوانندگان را ناراحت کند. لینک های ذیل کلیک شود:

(<http://www.ariaye.com/akhbar.html>) و (<http://da.azadiradio.org/content/transcript/۲۱۳۰۹۴۱.htm>)

داکتر لعلزاد که گفته میشود داکتری خود را در رشته زغال سنگ از اتحادشوری سابق گرفته است، اینک در لندن از بیکاری تاریخدان شده است و از چندی به اینسو به مناسبت روز استقلال افغانستان، یاوه می گوید و با گفتن

صرف نام های کتب مرحوم غبار و مرحوم فرهنگ، می خواهد رفع مسئولیت کند و بار گناهان خود را بردوش آنها بگذارد و بدون درک درست از نوشته های آنها، محض برای خورد ساختن و سبک جلوه دادن ملت افغانستان در نزد سایر ملل جهان، میگوید مردم افغانستان، مردمی اند که با گذشت ۹۶ سال از استقلال شان، هنوز روز و تاریخ استقلال خود را نمیدانند.

اومیگوید، دولتهای افغانستان در زمان امان الله خان و نادرشاه و ظاهرشاه چندین روز را تجلیل میکرده اند، از قبیل: روز ۲۴ فیروزی، ۲۸ فیروزی، ۱۳ اپریل، ۶ جوزا (روز فتح تل)، ۸ اگست (۱۸ اسد) و ۲۱ نومبر ۱۹۲۱ (روز امضای معاهده برسمیت شناختن افغانستان از سوی بریتانای) و بنابراین مردم میدانند که کدام یک از این روزها، روز استقلال افغانستان است؟

به جواب این یاوه گویان موظف شده باید گفت که: روز ۲۸ اسد مطابق ۱۸ اگست ۱۹۱۹ که شاه امان الله سند قرارداد صلح را ولپندی را در کابل امضاء نمود، و در مسجد عیدگاه کابل نطق پرشوری ایراد کرد و آن روز را، روز استقلال کامل افغانستان نامید و به مردم کشور آنرا تبریک گفت، روز استقلال افغانستان است. شاه در این روز از مردم افغانستان تمنا نمود تا این روز را چون مردمک چشم عزیز و گرامی بدانند. این نطق تاریخی شاه امان الله غازی در تمام جراید و روزنامه های همان زمان کابل به نشر رسیده و در آرشیف اسناد محرم هند بر تاتوی نیز ثبت شده است.

محقق دانشمند کشور جناب داکتر عبدالرحمن زمانی، متن بیانیه امیر امان الله خان را که در روز چهارشنبه ۲۸ اسد ۱۲۹۸ در مسجد عیدگاه کابل ایراد نموده، از آرشیف اسناد محرمانه هند بر تاتوی بدست آورده ترجمه و در پورتال افغان جرمن آنلاین نشر کرده است. این بیانیه یکی از مهمترین اسناد استرداد استقلال افغانستان است و جا دارد آنرا در اینجا بار دیگر نقل و بازتاب دهیم:

## بیانیه پادشاه افغانستان در مسجد جامع در ارتباط با اعلام استقلال پادشاهی افغانستان (روز چهارشنبه، ۲۸ اسد ۱۲۹۸ شمسی)

### ای ملت مصمم من!

شما شاید بخاطر داشته باشید که من در آغاز سلطنت خود تاج پادشاهی شما را بدلیل استقلال و آزادی خارجی و داخلی افغانستان بسر گذاشتم. حالا میخوام بشما توضیح دهم که آزادی خارجی و داخلی، و تحت اسارت بودن چه معنی دارد. یک کشور وقتی از نظر خارجی و داخلی آزاد گفته میشود که یکی از قدرت های بزرگ جهان دانسته شده، بتواند، با هر حکومت دیگری در زمینه های تجارتي و امور سیاسی توافقنامه و معاهده منعقد نماید، و بتواند با برادران هم مذهب و هم نژاد خود وحدت نموده و به آنها کمک کند، و تحت نفوذ هیچ حکومت دیگری در جهان نباشد. لذا این استقلال کشور در همه امور و توانمندی اجرای هر چیز است که برایش مفید باشد.

تحت اسارت بودن آنست که یک کشور یکی از قدرتهای جهان دانسته نشده، نتواند با هر حکومت دیگری در زمینه های تجارتي و امور سیاسی توافقنامه و معاهده منعقد نماید، و نتواند به برادران هم مذهب و هم نژاد خود کمک کند. نتواند با هیچ کشور دیگر جهان، به غیر از کشوری که تحت حمایتش قرار دارد، سروکاری داشته باشد. هر چند چنین کشوری ممکن است از بیرون به آنها دوست باشد، اما در واقعیت در تلاش ریشه کن کردن آن میباشد.

من شکر خداوند را بجا می آورم که امروز به هدف خود رسیدم، و امروز حکومت های ترکیه، آلمان، برتانیه، روسیه، اتریش و بخارا استقلال کامل ما را به رسمیت شناخته اند، و من این همه موفقیت را به شما تبریک میگویم.

(تحسین و شادی حاضرین: زنده باد شاه!)

و امروز نمایندگان دو حکومت، که عبارت از حکومت های برجسته انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی باشند، در اینجا حضور دارند.

### ای ملت!

هیچ کسی این استقلال و آزادی را به شما اعطا نکرده است. این تنها از لطف خداوند، از برکت پیامبر بزرگ (ص) و شجاعت و مردانگی خود شماست. غیرت و احساس افتخار به شما جرئت داد تا بخاطر استقلال خود شمشیر بدست بگیرید. لذا شما به زور شمشیر هدف خود را حاصل نمودید. خدا ناخواسته افغانستان هیچ وقتی نخوایسته و نخواهد خواست تحت حمایت کسی بوده و از آن فرمان ببرد. <<

« هر که آب از دم شمشیر خورد نوشش باد »

درعین حال، به نمایندگی از ملت از تمام قدرت های بزرگی که استقلال افغانستان را به رسمیت شناخته اند تشکر میکنم. بعد ازین ما با کشورهای روابط دوستانه خواهیم داشت که در امور تجارتي و سياسي با ما کمک کنند. در واقع کشورهای همسایه باید به دوستی ما فخر کنند، چون افغانستان یک کشور شجاع و نیرومند است. در وقت تصمیم تأمین استقلال من آنقدر راسخ بودم که در صورت ناکامی ازین بیشتر خواهان زنده ماندن نمی بودم. در قدم اول من زندگی ام را در مقابل دشمن برای حصول استقلال شما فدا میکردم. اگر ناکام می شدم، باز هم از تصمیم خود نگشته، خودم را می کشتم، اما زندگی تحت حمایت کشور دیگری را قبول نمی کردم. اگر شما مردم از من پشتیبانی نمی کردید، و با شجاعت کار خود را به پیش نمی بردید، من به مقصد کامیاب نمی شدم و بیش ازین زندگی را بر خود حرام می دانستم. لذا شما به من زندگی نوی را داده اید و من به شما برادران اطمینان می دهم که من باز هم به خاطر شما زندگی خود را فدا خواهم کرد.

تا امروز دروازه های تعلیم بر روی شما بسته بود، زیرا هیچ مرد داناتی زندگی تحت حمایت دیگران را نمی پسندد. اگرچه عمر من کمتر از شماست، اما به شما یک مشوره پدرا نه می دهم که برای خدا باید برای آموزش علم تلاش کنید. شما باید اطفال خود را به مکتب بفرستید، شما باید از آنها جدا شده، آنان را برای آموزش تعلیم به کشورهای خارجی بفرستید، تا با کسب علم شاید بتوانند قابلیت خدمت به کشور عزیز شما را پیدا نموده و نام شما را در تاریخ جهان زنده نگهدارند.

**ای ملت! به خاطر وطن و به خاطر خدا در کسب علم تلاش کنید، زیرا تنها از طریق علم است که می توان به کامیابی های دینی و دنیوی دست یافت.** «یک شخص بی علم نمی تواند خدا را بشناسد.»  
قیلاً من از همین منبر بسیار مقدس استقلال افغانستان را اعلام نموده بودم و شکر خدا که امروز با نایل شدن به این هدف مثل یک قهرمان فرود می آیم. (تحسین و شادی حاضرین: زنده باد شاه دلیر و شجاع ما، و پاینده باد استقلال کشور. آمین) [۱۳]

تاریخ یک کشور، در یک سال و دو سال و ده سال، آنهم از جانب یک نفر نمیتواند بطور کامل نوشته شود، زیرا در اثر کشفیات باستان شناسی و مدارک و اسناد آرشیفی که بعد تر بدست می آیند میتواند فرضیه های یک دوره تاریخی را تردید و غلط ثابت کند، بنابراین این وظیفه هر نسلی است تا تاریخ میهن خود را در پرتو باز یافته های تاریخی و باستان شناسی تکمیل کنند. ممکن است مرحوم غبار و نیز فرهنگ متوجه اهمیت این سند و این نطق تاریخی شاه امان الله نشده باشند. ورنه تفصیل این رویداد و علت اینکه معاهده را ولپندی در ۸ اگست (۱۸ اسد ۱۲۹۸) با جانب انگلیس به امضاء رسیده بود، چرا ده روز بعد یعنی در ۱۸ اگست مطابق ۲۸ اسد آنرا جشن گرفتند، از جانب مرحوم محی الدین انیس در سال ۱۳۰۶ ش، بمناسبت جشن استقلال در اخبار انیس توضیح داده شده است. در زمانی که در اکادمی علوم مصروف خدمت بودم، این سوال از سوی منسوبین اردو به دانشمندان رشته تاریخ اکادمی علوم راجع شده بود و به یاد می آید که پوهاند میرحسین شاه، و پوهاند صدیقی استادان تاریخ در پوهنتون کابل به استناد سرمقاله انیس، بقلم محی الدین انیس این سوال را جواب دادند و به مرجع سوال کننده رسماً خبر داده شد.

بنابراین نباید به یاهه گونی های افرادی چون لعزاد و همفکرانش اهمیت داد، حافظه تاریخ، مانند حافظه انسانهای متعصب و عقده ای کند و کور نیست که هر چیز را از روی منافع شخصی سبک و سنگین کند. روز ۲۸ اسد ۱۲۹۸ ش (۱۸ اگست ۱۹۱۹ م)، نزد افغانها بسیار پر ارج و گرامی است، زیرا در این روز بود که اعلیحضرت شاه امان الله، پیمان صلح را ولپندی را (که حاکی از برسمیت ساختن استقلال کشور بود)، طی محفلی در قصر زرنگار کابل توشیح کرد و با توشیح آن فصل جدیدی در تاریخ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور رقم خورد. افغانها این روز را سخت گرامی میدارند، زیرا که این روز ثمره خونهای ریخته شده پدران و نیاکان شان است.

پایان

### منابع و مأخذ:

- [۱] - دفاع از استقلال و جیبه ملی ماست، مجموعه مقالات، از من، چاپ دانش، ۲۰۱۳، مقاله دوم
- [۲] - غبار، در مسیر تاریخ، ۷۴۳
- [۳] - غبار، همانجا
- [۴] - داکتر اسدالله حبیب، دوره امانی، ص ۱۰
- [۵] - حاکمیت قانون، ص ۸ مقدمه، بقلم حبیب الله رفیع
- [۶] - پیکار پامیر، ظهور و سقوط اعلیحضرت امان الله خان، فصل چهارم

- [۷]-داکتر کاظم: فرهنگ کابل باستان، تألیف عزیزالدین فوفلزانی، چاپ کابل، ۱۳۸۷، جلد دوم، صفحه ۸۴۹ تا ۸۶۰ (نگاهی به چندسند تاریخی، افغان جرمن آنلاین ۲۰۱۲)
- [۸]- دلیلیو، ادمک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان، ترجمه زهما، ص ۶۵.
- [۹]- ریه تالی سٹیوارت، آتش در افغانستان، ترجمه کوهسار کابلی، ص ۱۱
- [۱۰]- نفتولاخلفین، انگستان پر ضد افغانستان، مسکو ۱۹۸۴، ص ۱۸۷، نیز: غبار، ص ۷۵۰
- [۱۱]- آتش در افغانستان، صص ۱، ۱۲
- [۱۲]- فضل غنی مجددی، افغانستان در عصر اعلحضرت امان الله خان، چاپ ۱۹۹۷؛ ص ۳۳۰
- [۱۳]- داکتر زمانی، اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، قسمت چهارم مکاتبات مربوط به جنگ سوم افغان ها، ۱۹۱۹، افغان جرمن آنلاین، لینک ذیل دیدہ شود:

[http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha\\_PDF/zamani\\_abr\\_bayania\\_e\\_shah\\_amanullah.pd](http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/zamani_abr_bayania_e_shah_amanullah.pd)

---